

نگاهی به وضعیت خاندان جوینی

مینو صدرزاده*

اشاره

از جمله سلاله هایی که در طول سده ها ، خدمت شایانی به ایران و اسلام نمودند، جوینیان بودند. از میان این خاندان که ستاره اقبالشان از نیمه اول سده پنجم درخشیدن گرفت، بزرگانی چند برخاستند که خدمات شایانی به این مرز و بوم رساندند. شاید بتوان ادعا کرد بیشترین خدمت این خاندان به دوره مغول بر می گردد. زمانی که ایرانیان به لحاظ سیاسی مغلوب قوم مهاجم شده بودند ، عظاملک جوینی و شمس الدین محمد ، در تغییر آداب و رسوم قوم مهاجم و جایگزین کردن فرهنگ و تمدن ایرانی و به بیانی مغلوب ساختن این جماعت به لحاظ فکری و فرهنگی ، نقشی بسیار مؤثر و کار ساز داشتند.

بیشتر بزرگانی که از میان خاندان جوینی برخاستند بر مذهب تسنن بودند . اما در میان آنان بودند کسانی که چون منتجب الدین تمایلات شیعی داشتند و یا نظیر عظاملک و شمس الدین صاحب دیوان^۱ ، به ظن غالب ، بر مذهب تشیع بودند . از این رو ضمن اعتراف به شمار بسیار فرزندان این خاندان ، توجه به افرادی از این خاندان که پیرو مذهب تشیع بوده و یا محب اهل بیت محسوب می شدند ، بیشتر مد نظر قرار گرفته است .

رکن الاسلام شیخ ابو محمد عبدالله جوینی: پدر امام الحرمین ، اولین فرد برجسته و فرهیخته آنان محسوب می شود ، او که از محدثان و مفسران و فقیهان شافعی بزرگ سده پنجم به شمار می رود ، در نیشابور مجلس مناظره و تعلیم خاص داشت .

امام الحرمین : عبدالملک بن ابو محمد عبدالله بن یوسف بن عبدالله جوینی ، معروف به امام الحرمین متولد سال (۴۱۹ هـ ق) و در گذشته به سال (۴۷۸ هـ ق) در زمان خود ، بزرگترین

* دکتری تاریخ و تمدن اسلامی

۱- این دو شخصیت از دیوانیان ایرانی سده ی هفتم هستند که در تغییر آداب و رسوم مغول ها مؤثر بودند

دانشمند اشعری مذهب خراسان به شمار می‌آمد.^۱ نظام الملک، نظامیه نیشابور را به نام وی ساخت و او سی سال در آن مدرسه به تدریس مشغول بود و امام محمد غزالی از تربیت یافتگان مکتب او بود.^۲

منتجب الدین جوینی محب و دوستدار اهل بیت: مؤید الملک منتجب الدین بدیع، علی بن احمد کاتب اتابک جوینی، خال جد عطاملک جوینی، صاحب تاریخ جهانگشا است.^۳ او منشی معروف سلطان سنجر سلجوقی و صاحب دیوان رسایل او بود.^۴ تاریخ تولد و درگذشت او هیچ کدام معلوم نیست. اما از عتبه الکتبه او که مجموعه منشآت اوست، چنین بر می‌آید که در حدود سال (۵۱۶ هـ ق) در اوان جوانی به منظور آموختن صناعت دبیری، به مرو رفته است.^۵ با آن که ملک الشعرا بهار، تاریخ تدوین این مجموعه را در فاصله سال‌های (۵۲۸ - ۵۲۸ هـ ق) دانسته^۶؛ اما به نظر می‌رسد دیباچه کتاب مذکور در زمان حیات سلطان سنجر یعنی قبل از سال (۵۵۲ هـ ق) نگاشته شده باشد، و تنها برخی منشآت به سال‌های پس از مرگ سلطان سلجوقی بر می‌گردد و این گویای آن است که منتجب الدین چند سال پس از وفات سلطان سنجر در قید حیات بوده است و در مکتوبی به وفات سنجر اشاره کرده است.^۷

-
- ۱- ابن خلکان، *ولیات الاعیان*، به تحقیق احسان عباس، منشورات الشریف الرضی، قم، الطبعة الثانية، ۱۳۶۴ هـ ق، ص ۲/۱۶۸؛ زرکی، *ضید الدین: الاعلام*، قاهره، الطبعة الثانية، ۱۳۷۸ هـ ق، ص ۳۰۶ / ۴
 - ۲- مدرس تبریزی، محمد علی؛ *ریحانه الادب*، کتاب فروشی خیام، تهران، ۱۳۶۹ هـ ش؛ ص ۱۷۱-۱۷۰؛ ابن خلکان: همان، ص ۲ / ۱۶۸
 - ۳- جوینی، علاء الدین ملک: *تاریخ جهانگشای*، به اهتمام محمد قزوینی، لیدن ۱۳۲۹ هـ ق (۱۹۱۱ میلادی)، ص ۲/۹.
 - ۴- اتابک جوینی، منتجب الدین بدیع، *عتبه الکتبه*، تصحیح و اهتمام: محمد قزوینی و عباس اقبال، شرکت سهامی چاپ، بی جا، ۱۳۲۹، ص الف.
 - ۵- اتابک جوینی، همان، ص ۲.
 - ۶- بهار (ملک الشعرا)، محمد تقی، *سبک شناسی*، انتشارات بدیهه، چاپ نهم، ۱۳۷۶، ص ۲ / ۸۶۹.
 - ۷- اتابک جوینی، همان، ص ۱۶۹.

نام صاحب عتبه الكتبه در خود این مجموعه ، علی بن احمد الکاتب است^۱ . اما لقب دولتی او به تفاوت در کتاب ، مؤید الدولة^۲ و گاه مؤید الملک یمین الدولة^۳ ذکر شده است .

بی شک انتساب او به سلاله ای که از زمان شمس المعالی قابوس بن وشمگیر ، منصب دبیری داشته ، از سوی و شاگردی او در محضر خواجه شرف الدین ظهیر بیهقی ، از دیگر سو ، در گرایش او به صناعت انشاء و ورود وی به دستگاه دیوانی مؤثر بوده است^۴ .

برخی قرائن گویای آن است که وی علاوه بر منصب دبیری ، ندیم سلطان هم بوده است^۵ و همین منادمت است که به وی فرصت می دهد در مقام شفاعت رشیدالدین وطواط بر آمده ، او را که در جریان جنگ هزارسرف (هزار اسب) در خدمت اتسزخوارزمشاه و در مقابله با سلطان سنجر ایباتی سروده بود ، از مرگ برهاند^۶ .

عتبه الكتبه که مجموعه ای از مراسلات دیوان انشای سلطان سنجر است ، دارای ۶۴ مکتوب ، از جمله مکتوب تفویض شحنگی جوین است^۷ . این اثر که تاریخ کتابت آن سال (۶۷۱ هـ ق) ضبط شده^۸ ، علاوه بر فوائد ، حاوی برخی اطلاعات تاریخی سودمند و معلومات گران سنگ در باره امیران ، حاکمان و دولتمردان ، عالمان و فقیهان و قاضیان این مقطع از تاریخ سلجوقیان است .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پایه علمی علوم انسانی

۱ - رک ، اتابک جوینی ، همان ، صص ۱۶۶ ، ۱۴۸ ، ۶۸ ، ۳۱ .

۲ - همان ، ص ۳۱ .

۳ - همان ، ص ۶۸ .

۴ - همان ، ص ۲ ، ۳ .

۵ - جوینی ، علاء الدین ملک : همان ، ص ۲ / ۹ .

۶ - جوینی ، علاء الدین ملک : همان ، ص ۱۰ و ۹ / ۲ .

۷ - اتابک جوینی ، همان ، ص ۶۰ .

۸ - اتابک جوینی ، منتخب الدین بدیع : همان ، ص ۱۷۰ .

عوفی، منتجب الدین جزوینی را از جمله اولین کاتبانی خواننده که دو تصنیف عبرات الکتبه^۱ و رقیة القلم را در شیوه ترسل و صنعت کتابت نگاشته و با صراحت بیان نموده، دبیران عصر در میدان بلاغت سواری شهیم تر از او نشناخته اند.^۲

بلندی مقام منتجب الدین را نویسندگان و بلغاء دیگر نیز ستوده و عتبه الکتبه ی او را از جمله سرمشق‌های فصاحت شمرده اند. در مرزبان نامه آمده است:

«مکاتبات منتجب بدیمی که بیدایع و روایع کلمات و نکات مشحونست، لطف از متانت در آویخته و جزالت یا سلاست آمیخته و آن را عتبه کتبه نام کرده، کتاب محقق آن عتبه را بسی بوسیده اند و بمراقی غیایاتش نرسیده و گروهی آنرا خود غنیه خوانده که مغنی شیوه اینست از طلب حوانی افکار دبیرانه»^۳.

چنانچه مرسوم مکاتبات دیوانی است، نثر کتاب عتبه الکتبه، مسجع و مصنوع است و انشاء مراسلات، با اطناب توأم است. با این حال در نهایت جزالت و سلاست به نگارش در آمده است. این کتاب با مقدمه علامه قزوینی و به کوشش عباس اقبال آشتیانی در سال (۱۳۳۹ هـ.ق) به طبع رسیده است. نسخه نفیسی از آن که به سال (۶۷۱ هـ.ق) کتابت یافته، در کتابخانه ملی مصر با شماره ۶۳۹۲، موجود است.^۴

۱ - مرحوم قزوینی این کتاب را همان عتبه الکتبه دانسته. رک: قزوینی: *مجموعه مقالات قزوینی*، انتشارات، اساطیر، چاپ اول، ۱۳۶۳، ص ۵۳۵ / ۲.

۲ - عوفی، محمد: *لباب الالباب*، به اهتمام و تصحیح: ادوارد براون، مطبعه لینن، ۱۳۲۴. ق. (۰۱۹۰۶ م.) ص ۱/۷۸.

۳ - مرزبان بن رستم بن شروین: *مرزبان نامه*، اصلاح و کتابت سعدالدین وراوینی، تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی، مؤسسه مطبوعاتی فراهانی، تهران، ۱۳۲۵، ص ۲۹.

۴ - قزوینی: همان، ۵۳۶ / ۲.

هر چند در خصوص مذهب منتجب الدین اظهار نظر صریحی به دست نیامد، اما عنایت او به ائمه اطهار، به ویژه علی بن موسی الرضا (ع)، بر اساس آنچه عوفی از رقیة القلم او نقل نموده به ضوح هویداست.

در اوائل عهد کتابت که هنوز اکمام فضایل از اغصان منصب نشکفته بود، و در شیوه کتابت مرا تهدی نیفتاده، در دیوان انشاء بنیابت کاری می کردم و هر چه نیشتمی استاد و مخدوم من آنرا تزییف کردی و مرا برنجانییدی، تا روزی من از غایت ضجرت و تنگ دلی بمشهد مبارک امیرالمؤمنین، علی بن موسی الرضا رفتم و از روح پاک او استمداد طلبیدم و بتضرع و ابتهال در آن موقف متبرک بنالیدم و تسهیل این شیوه از حضرت صمدیت در خواستم، آفریدگار سبحانه و تعالی دعاء مرا اجابت گردانید و درهای لطایف غیبی بر ضمیر من گشاده گشت^۱.

منتجب الدین، در شعر نیز دستی داشته است و عوفی به نقل از پسرش، غزلی از او روایت کرده است^۲.

شمس الدین محمد جوینی و عظاملک جوینی

عدم تعصب مذهبی مغول‌ها در دوره این دو برادر، نسبت به دین، مرام و مسلک ملل تابعه خود، از سویی و سقوط بغداد و برفتادن خلفای عباسی از دیگر سو، عاملی شد برای بال و پر گرفتن پیروان مذهب تشیع و نشو و نماي طریقت های صوفیانه. لذا گر چه هجوم وحشیانه مغول برای جهان اسلام و به ویژه عالم تسنن ضربه ای مهلک به شمار می رفت، اما برای دنیای تشیع فرصتی مغتم به بار آورد که در سایه آن عالمان شیعی به نشر آراء و عقاید خود پرداختند.

۱ - عوفی، محمد: *لباب الالباب*، از روی چاپ پرفسور براون و تعلیقات علا محمد قزوینی، به اهتمام محمد

عباسی، کتاب فروشی فخر رازی، تهران، ۱۳۶۱، ص ۷۹، ۷۸.

۲ - همان، ص ۷۹.

شمس الدین محمد ، در عهد اباقا - پسر هولاکو - وزیر اعظم مملکت و صاحب اختیار بود و برادرش ، عطاملک در عهد هولاکو ، حاکم کل عراق گردید . نیای شمس الدین محمد و عطاملک جوینی ، در عهد خوارزمشاهی ، مستوفی دیوان سلطان محمد و سلطان جلال الدین بود^۱ . بهاء الدین محمد جوینی ، پدر این دو شخصیت مهم و صاحب نفوذ سده هفتم و هشتم نیز ، از بنو ورود مغولها به ایران ، به خدمت اولین حاکم مغولی ایران در آمد و منصب صاحب دیوانی (ریاست امور مالی یا ریاست دیوان انشاء) خراسان و مازندران را عهده دار شد^۲ .

اعتماد جنتمور ، حاکم مغولی وقت به بهاءالدین چنان بود که وی را به عنوان سفیر ، به بارگاه اگتای قاآن فرستاد و از سوی خان قراقروم ، مقام صاحب دیوانی ممالک را دریافت نمود . پس از جنتمور ، در زمان امیر ارغون کار او بالا گرفت و علاوه بر منصب صاحب دیوانی نه تنها نایب ارغون در گرجستان و آذربایجان و روم بود ، بلکه به همراه امیر ارغون به دربار قاآن سفر نمود و حتی در غیاب امیر ، از سوی او نیابت تمامی مناطق متصرفی را عهده دار شد^۳ .

گر چه تاریخ حرص و طمع بهاءالدین را در گردآوری ثروت ، از خاطر نبرده است^۴ ؛ اما فضل و دانش او و فرزندان او را نیز به ثبت رسانده و از آنها به عنوان دیوانیان مجربی یاد کرده است که علاوه بر برخورداری از ذوق شاعری و دبیری ، از حفظ حقوق مردم غافل نبوده و با توجه به مقبولیتی که در تشکیلات مغولی داشتند ، توانستند تا حد زیادی توجه قوم مهاجم را به فرهنگ ایرانی - اسلامی جلب نموده ، به سازمان دیوانی سروسامانی دهند .

بهاءالدین سرانجام پس از سالها خدمت ، عزلت اختیار نمود ، اما پیش از آن ، دو پسرش ، شمس الدین محمد و علاءالدین عطاملک را به دستگاه دیوانی وارد کرد . هوش و استعداد ذاتی

۱ - عقیلی ، سیف الدین حاجی بن نظام : آثار الوزراء ، تصحیح و تعلق میر جلال الدین حسینی آرموی ، انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۳۳۷ ، ص ۲۷۶ .

۲ - جوینی ، علاء الدین ملک : همان ، ص یح ، ۱ / ۱ .

۳ - جوینی ، علاء الدین ملک : همان ، ص ک / ۱ .

۴ - همان ، ص ۱۶۳ / ۲ .

دو برادر عاملی شد تا آنان نیز همچون پدر در شمار زبده ترین دیوانیان عصر خود در آیند و بالغ بر بیست سال سیاست و ملکداری قلمرو وسیع ایلخانان مغول را در دست گیرند. فعالیت جدی آن‌ها از عهد هولاکو آغاز شد و معرفی آنان به هولاکو توسط امیر ارغون در شفقوران از توابع بلخ، زمانی صورت گرفت که هولاکو عازم فتح مناطقی از ایران بود^۱. شمس الدین در حکومت ده ساله هولاکو، ابتدا به مقام صاحب دیوانی و بعد به عنوان وزیر اعظم کل قلمرو ایلخان، منصوب شد و به بیان رشیدالدین:

«دست او در حل و عقد و ترتیب و ضبط امور مملکت قوی و مطلق گردانید»^۲.

وی دانشوران و اندیشمندان را حول محور خود گرد آورد و امور حساس مملکتی را به آنان سپرد و با این روش هم به تجدید حیات اسلام کمک نمود و هم صاحبان خرد را از انزوا بیرون آورد^۳. شمس الدین خود نیز در نظم و نثر فارسی مهارت داشت و بعضی منشآت، مکاتیب و اشعار از وی به یادگار مانده است^۴. صاحب ریحانه الادب رساله شمسیه در منطق را منسوب به او دانسته است^۵.

پس از مرگ هولاکو و در دوره اباقا نیز وی بر منصب خود باقی ماند و تمام تلاش خود را به کار برد تا با بازسازی دیوان‌ها و سازمان‌های اداری، از تأثیر یاسای چنگیزی بکاهد و نفوذ عنصر بیگانه را به حداقل برساند. از همین روست که در عهد او مشاغل دیوانی در انحصار ایرانیان قرار می‌گیرد. حمایت او از آل کرت به منزله پایگاه فرهنگ ایرانی و برقراری ارتباط میان امرای این

۱ - همان، ص ۱/ کو ۱ - و صاف الحضرة بتاریخ و صافه، به اهتمام محمد مهدی اصفهانی، کتابخانه جعفری تبریز، از افت رسیدیه، ۱۳۳۸، ص ۵۵ - خوانند میر: حبیب السیر، ص ۱۰۴/۳.

۲ - رشیدالدین فضل‌الله جامع التواریخ، تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی، نشر البرز، تهران، ۱۳۳۳، ص ۲/۱۰۴۹.

۳ - منشی کرمانی، ناصرالدین: نسائم الاسحار من لطائف الاخبار، تصحیح میر جلال الدین حسینی ارموی، انتشارات دانشگاه تهران، بی تا، ص ۱۰۲؛ عقیلی، سیف الدین: آثار الوزراء، تصحیح میر جلال الدین حسینی ارموی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۷، ص ۲۷۶.

۴ - نفیسی، سعید: تاریخ نظم و نشر در ایران، کتاب فروشی فروغی، تهران ۱۳۳۴، ص ۱۶۳/۱.

۵ - مدرس تبریزی، محمد علی، همان، ص ۳/۲۶۳.

سلسله و اباقا، نشان دیگری از هواداری او از هویت ایرانی است.^۱ در کنار سامان دادن به وضع دیوان در تقویت دین مبین و تمشیت مهام علمای شریعت، سید المرسلین سعی و تلاش فرووان نمود.^۲

بخارا در زمان او که به مرمت و بازسازی مدارس و مساجد و خانقاه ها توجه فراوان داشت، اعتباری دوباره یافت و به بیان وصاف الحضرة، در مدرسه مستحدثت او قریب هزار طالب علم به تحصیل علوم و استكمال نفس اشتغال داشتند.^۳ در سایه حمایت او و برادرش عطاملک، علم و دانش رونق گرفت و عالمان فرصت جولان یافتند. سعدی از جمله بزرگانی بود که مورد عنایت شمس الدین و عطاملک بود و هر دو را مدح گفت.

جهان دانش و ابر سخا و کان کرم سپهر حشمت و دریای فضل و کوه وقار

خدا یگان صدور زمانه شمس الدین عماد قبه اسلام و قبله زوار^۴

در میان دولت مردان نیز خواجه نصیر طوسی که از احیاگران تشیع در عهد مغول بود، رساله فارسی اوصاف الاشراف خود را به نام شمس الدین محمد و کتاب فارسی ترجمه ثمره بطلمیوس را به نام پسر وی، بهاءالدین محمد نوشته است.^۵

در عهد اباقا، هسته مقاومتی برای ضدیت با عنصر ایرانی به سرکردگی ارغون که مخالف سرسخت مسلمانی و مدعی حکومت بود و مجدالملک که رقیب عطاملک و شمس الدین جوینی بود، تشکیل شد. ضدیت با آنها ابتدا با اتهام ارتباط با سلاطین مصر و قصد براندازی نظام، آغاز گردید.^۶ از خاندان جوینی رفع اتهام شد^۷ و مجازات مجدالملک به خود صاحب دیوان

۱ - رشیدالدین فضل الله: همان، ص ۱۰۶۱ / ۲.

۲ - خواند میر: دستور الوزراء، تصحیح: سعید نفیسی، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۱۷، ص ۲۸۵.

۳ - وصاف الحضرة، همان، ص ۷۷.

۴ - سعدی، مصلح الدین: کلیات سعدی، تصحیح: محمد علی فروغی، به اهتمام: بهاءالدین خرمشاهی،

انتشارات ناهید، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵، ص ۶۶۶.

۵ - جوینی، علاء الدین ملکه همان، ص سد، سه / ۱.

۶ - رشیدالدین فضل الله: همان، ص ۱۱۱۱ / ۲ - جوینی، علاء الدین ملکه همان، ص لز، لیج، لط / ۱ /

۷ - جوینی، همان، ص م / ۱ - رشیدالدین فضل الله: همان، ص ۱۱۱۳ / ۲ - خواند میر: همان، ص ۲۷۵.

محول شد؛ اما مجدالملک به جای مجازات از سوی شمس الدین استمالت شد^۱ و فرصت یافت تا از اباقا، فرمان مشرف کل ممالیک را بستاند^۲. رقیب تراشی برای شمس الدین محمد در اداره دستگاه های دیوانی، زنگ خطری بود برای ملیت و دین ایرانی. گفتگوی شاعرانه زیر حکایتگر خصومت عمیق میان آن دواست. مجدالملک کوس جنگ را با این رباعی می نوازد:

در بحر فم تو غوطه خواهم خوردن یا غرقه شدن یا گهبری آوردن
قصدت خطر ست و من بخوام کردن یا روی بدان سرخ کنم یا گردن

و شمس الدین صاحب دیوان این گونه پاسخ می دهد:

یرغو بر شاه چون نشاید بردن پس خصه روزگار باید خوردن
این کار که پای در میانش داری هم روی بدان سرخ کنی هم گردن^۳

پس از مرگ اباقا با آن که سرکردگان مغولی قصد به قدرت رساندن ارغون فرزند ارشد اباقا را داشتند، اما تلاشهای شمس الدین محمد جوینی و خواجه نصیر طوسی به دلیل غیبت ارغون، به ثمر نشست و تکودار، برادر خان که پس از مسلمان شدن نام احمد یافت، بر تخت نشست^۴. گروه مخالف با جدیت تمام علیه شمس الدین محمد وارد صحنه شدند، اما مجدالملک، مهره اصلی این سناریو، خود به اتهام جادوگری و سحر کشته شد^۵. با برکناری او پیشرفتی شگرف در جهت عقب راندن عنصر بیگانه و احیای فرهنگ ایران صورت پذیرفت. مسلمان شدن احمد و احیای مجدد قدرت شمس الدین زمینه را برای صدور فرمان‌هایی همسو با موازین ایرانی - اسلامی فراهم ساخت. با این وجود ارغونیان دست از تلاش برنداشتند و همزمان با مرگ

۱ - رشید الدین فضل الله: همان، ص ۱۱۲۸/۲.

۲ - منشی کرمانی، محمد علی: *نسائم الاسحار من لطائف الاخبار*؛ تصحیح میر جلال الدین حسنی ارموی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران بی‌تا، ص ۱۰۴؛ رشیدالدین فضل الله: همان، ص ۱۱۱۴/۲.

۳ - رشیدالدین فضل الله: همان، ص ۱۱۱۵/۲.

۴ - همان، ۱۱۲۶/۲.

۵ - همان، ص ۱۱۲۹/۲.

عطا ملک در سال (۶۸۱ هـ.ق) در اران^۱ صاحب دیوان متهم به سوء استفاده از اموال اباقا و مسموم کردن وی گردید.^۲

پس از مرگ عطا ملک ، شرف الدین هارون فرزند شمس الدین صاحب دیوان ، که دانشمندی والا مقام بود و در سال (۶۷۰ هـ.ق) به دعوت مدرسان نظامیه بغداد برای تدریس به آنجا رفته بود ، به جای عمومی خویش (عطا ملک) راهی بغداد شد.^۳

با قتل احمد تکودار و سلطنت ارغون دوران ادبار جوینیان آغاز شد. بغداد از دست شمس الدین هارون و خاندان جوینی خارج شد و شمس الدین محمد جوینی در سال (۶۸۳ هـ.ق) در نزدیکی اهر کشته شد.^۴ و به این ترتیب، شمس الدین به گناه به سلطنت رساندن احمد تکودار به قتل رسید^۵ و در مرگش مرثیه ها سرودند.

از رفتن شمس از شفق خون بچکبکد
 مه روی بکند و زهره گیسو بیرید
 شب جامه سیه کرد در آن ماتم و صبح
 برزد نفسی سرد و گریبان بدرید^۶

ترجیع بند همام تبریزی ، در بیان عظمت مقام آن وزیر دانشمند و دبیر باکفایت از ماندگارترین آن ها است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله علمی و پژوهشی علوم انسانی

- ۱ - وصاف الحضرة: همان، ص ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱
- ۲ - عقیلی: همان، ص ۲۷۷؛ ابن العبری: مختصر تاریخ الدول، ۴۰۵.
- ۳ - ابن الفوطی بغدادی، کمال الدین ابی الفضل عبدالرزاق، حوادث الجامعة و التجارب النافعه، المكتبة العربية بغداد، ۱۳۵۱ ق، ص ۳۷۴؛ رشیدالدین همان، ۲/۱۱۳۱.
- ۴ - وصاف الحضرة: همان، ص ۱۴۲؛ ابن الفوطی، بغدادی، کمال الدین ابی الفضل عبدالرزاق حوادث الجامعة، المكتبة العربية بغداد، ۱۳۵۱ هـ.ق ص ۴۳۹.
- ۵ - شبانکاره ای، محمد بن علی: مجمع الاسباب، تصحیح میر هاشم محدث، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۳، ص ۲۶۶.
- ۶ - وصاف الحضرة: همان، ص ۱۴۱، ۱۴۲؛ رشیدالدین فضل الله: همان، ص ۲/۱۱۶۰.

با مرگ وی اموالش مصادره شد. فرزندانش کشته شدند. ساختمان های عام المنفعه ای که ساخته بود ویران شد. و سال ها بعد بر آرامگاه او و برادر و هفت فرزندش در چرنداب تبریز سنگ قبر نهادند.^۱

ابن عبری در باره او آورده است :

« این بود پایان کار مردی بزرگ و با هیبت و حکیم که همه امور به سر انگشت تدبیر او اداره می شد و مردی بود خردمند و آگاه که سیاست و تدبیر و تواضع در وجود او گرد آمده بود.^۲ »

برادر دیگر ، علاءالدین عظاملک نیز از آن هنگام که در هجده سالگی و به دست پدر به خدمت امیر ارغون پیوست ، در زمره ملازمان خاص امیر در آمد و به تصریح خود وی به عنوان منشی مخصوص امیر ، در سفرهای متعدد به قراقروم او را همراهی می کرد و در جریان قوریلتای به تخت نشستن منگوقاآن ، وی یک سال ونیم در قراقروم به سر برد^۳ .

در واقعه حمله به اسماعیلیان و قلعه های آنان ، همراهی عظاملک با هولاکو خان ، جلوی نابودی و تباهی بخشی از ذخائر علمی و هنری کتابخانه های اسماعیلیه را گرفت . او مأموریت یافت کتابخانه ای را که طی صد و هفتاد سال از عهد حسن صباح فراهم آمده بود ، مطالعه کند و آنچه لایق است جدا سازد . وی آلات نجوم رصدخانه و برخی کتابهای نفیس را جدا کرد و بقیه که در اصول و فروع معتقدات آنها بود ، سوزانده شد^۴ .

در جریان حمله به بغداد و براندازی خلافت عباسی نیز عظاملک همراه خان مغول بود و مدتی پس از سقوط بغداد حکومت بغداد و نواحی همجوار به او واگذار گردید^۵ . دست یافتن به این مقام

۱ - جوینی، علاء الدین ملک: همان، ص ۱ / ۱ -؛ و صاف الحضرة: همان، ص ۱۴۲.

۲ - ابن العبری، مختصر تاریخ الدول، ترجمه : عبدالمحمد آیتی ، انتشارات علمی و فرهنگی ، چاپ اول ، تهران ، ۱۳۷۷ ، ص ۴۰۶ .

۳ - جوینی علاء الدین ملک: همان، ص ۷ ، ۶ / ۱

۴ - جوینی علاء الدین ملک: همان، ص ۲۷۰ / ۱

۵ - ابن فوطی بغدادی، کمال الدین: همان، ص ۳۳۹ ؛ رشیدالدین فضل الله: همان، ص ۴۹ / ۱۰۲.

توسط یک ایرانی ، موفقیت بزرگی بود و حضور ایرانیان پس از این انتصاب ، در تشکیلات اداری و فرهنگی بغداد ، امری طبیعی بود و عطا ملک در این زمینه از هیچ کوششی فرو گذار نکرد .

قدرت یافتن عطا ملک در عهد هولاکو ، با توجه به اقتداری که مسیحیان در کنف حمایت دوقوز خاتون ، همسر نسطوری هولاکو ، کسب کرده بودند ، موفقیتی عظیم برای ایرانیان و مسلمانان محسوب می شد چرا که از آن پس از نفوذ فوق العاده مسیحیان در بغداد کاسته شد^۱ .

عطا ملک که به بیان ابن العبری : «حاکم مطلق و فرمان روای عالی بغداد»^۲ بود ، با حمایت برادرش ، شمس الدین صاحب دیوان ، کارگزاران ایرانی خود و البته پشتیبانی ایلخان ، هدف های فرهنگی و سیاسی و اقتصادی خود را پی گرفت و به تجدید حیات فرهنگ ایرانی ، عمران و آبادی بغداد و دیگر شهرهای عراق پرداخت .

عطا ملک و همسرش ، با ساختن بازارها ، باغ ها ، دکان ها ، مسجدها و مدرسه ها ، قصرها و میدان ها ، حمام ها و دیوان خانه ها ، به بغداد شهری عالمگیر بخشید^۳ .

در راستای اصلاحات دیوانی ، او دستور داد نامه ها را در دیوان انشا به زبان فارسی و گاه مغولی بنویسند نه به زبان عربی^۴ در بعد اقتصادی وی دستور ضرب سکه هایی به نام فلوس را نیز صادر کرد و با کاستن عوارض مالیاتی به وضع کشاورزان رونقی بخشید^۵ .

در زمینه احیای سنن مذهبی وی به شهر های مذهبی به ویژه نجف توجه خاص مبنول داشت و در آن شهر علاوه بر اقدامات عمرانی ، برای اعتبار بخشیدن به آرامگاه امام علی (ع) و فراهم

۱ - رک: ابن فوطی، همان، ص ۳۵۴.

۲ - ابن العبری: همان، ص ۳۹۰.

۳ - ابن الفوطی: همان، ص ۳۵۷، ۳۷۳.

۴ - قلقشندی ، ابوالعباس احمد بن علی: صبح الاعشی فی کتابه الانشاء ، قاهره ، دار الکتب الخدیویه ، ۱۳۳۰ ق ، ص ۹۴ / ۱ ، جزء اول.

۵ - ابن الفوطی: همان، ص ۳۵۸.

ساختن امکانات رفاهی برای زائران آن حضرت تمام تلاش خود را به کار برد و ضمن ساختن کاروان‌سرا در حوالی حرم ، موقوفاتی نیز بر آن مکان مقدس وقف نمود^۱ و جهت آبرسانی به شهر، موفق به حفر قنات شد^۲. او با توجه به وجود اقلیت‌های بودایی و مسیحی در بغداد و به منظور تضعیف آنان، دستور اقامه نماز جمعه را صادر کرد و فرمان داد مناره‌های آسیب دیده مسجد جامع شهر مرمت شود^۳. برقراری مجدد مناسک حج ، پس از آن که این فریضه مدت‌ها متروک مانده بود ، اقدام دیگری بود که عظاملک اجازه آن را از آباق‌خان گرفت^۴.

عظاملک برای استحکام بخشیدن به پایه های قدرت خود ، یکی از دخترانش را به عقد شیخ صدرالدین حمویه جوینی در آورد. شخصیت مورد وثوقی که بعدها غازان خان به دست او اسلام آورد^۵.

در همان دوره آباقا بود که به واسطه توطئه و افترای مجدالملک یزدی ، وی به سرقت و مال اندوزی و ایجاد رابطه با حکومت مصر ، متهم شد . عظاملک در بند شد و اموالش مصادره گردید. به قول رشیدالدین : «بر جمله ، کار او به کلی خلل پذیر گشت»^۶. در عهد احمد تکودار، به رغم دلجویی که از وی شد ، از کار دیوانی کناره گرفت و دیگر به بغداد برنگشت. با این حال تا زمان مرگ عظاملک ، امور عراق توسط عمال و کارگزاران وی اداره می شد^۷. سرانجام عظاملک به دلیل شدت فشارهای وارده بر او و هوادارانش از سوی ارغون ، به سال (۶۸۱ هـ.ق) در گذشت و در چران‌دیب تبریز دفن شد^۸.

-
- ۱ - الخلیلی، جعفر، *موسوعه العتبات المقدسه ، قسم النجف* ، بیروت ، انتشارات الاعلمی ، ۱۴۰۷ . ق - (۱۹۸۷ م). ص ۵۸ / ۲ - ؛ ابن فوطی: همان، ص ۳۵۸؛ خواند میر: همان، ص ۱۰۵ / ۳.
 - ۲ - مهربان، آقا سید عبدالله: *لؤلؤ صدف فی تاریخ النجف* ، تهران ، انتشارات مهربان ، بی تا ، ص ۵۸ .
 - ۳ - ابن الفوطی: همان، ص ۳۶۱.
 - ۴ - ابن الفوطی: همان، ص ۳۵۸.
 - ۵ - جوینی: همان، ص سب ، سج / ۱.
 - ۶ - رشیدالدین فضل الله: همان، ص ۱۱۱۵ / ۲ .
 - ۷ - رشیدالدین فضل الله: همان، ص ۱۱۲۹ / ۲ .
 - ۸ - جوینی، علاء الدین ملکه: همان، ص س ، نح ، نط / ۱

مجموع این خدمات فرهنگی - اقتصادی بود که از سویی به غلبه و نفوذ عنصر ایرانی و از سوی دیگر به طرد و حتی حذف مغولان و مسیحیان از صحنه قدرت سیاسی در مرکزی ترین بخش جهان اسلام انجامید ، بغداد را ملجا و ماوای فاضلان و ادیبان و هنرمندان ساخت . یاقوت مستعصمی خطاط معروف ، عبدالؤمن ارموی ، صوفی مشهور^۱ و میثم بحرانی شارح نهج البلاغه^۲ از جمله کسانی بودند که در ظل عنایت و توجهات عظاملك بالیدند . از همین روست که بزرگ مردی چون سعدی به مدح او می پردازد .

خدای خواست که اسلام در حمایت او ز تیر حادثه درباره امان ماند

و گرنه فتنه چنان کمرده بود دندان تیز کزین دیار نه فرخ و نه آشیان ماند^۳

ز بس که اهل هنر را بزرگ کرد و نواخت بسی نماند که هر ناقصی شود کامل^۴

بیار ساقی مجلس ، بگوی مطرب مسونس که دیر شد که قرینان ندیده اند قرین را

هزار دستان بر گل سخن سرای چو سعدی دعای صاحب عادل علاء دولت و دین را

وزیر مشرق و مغرب ، امین مکه و بشرب که هیچ ملک چنسو حفیظ و امین را

جهان فضل و فتوت، جمال دست وزارت که زیر دست نشاندہ مهربان مکین را

چو شیر رایب وی را کند صبا متحرک مجال حمله نماند ز هول ، شیر صرین را

ملوک روی زمین را به استمالت و حکمت چنان مطیع و مسخر کند که ملک یمین را^۵

عظاملك قریب یک ربع قرن در دستگاه مغولان شغل دیوانی داشت و به مقتضای مسؤلیتی که داشت ، بارها به دربار خان مغول در قراقروم سفر کرد . حشر ونشر او با رؤسای ایلات و نظاره

۱ - اقبال آشتیانی، عباس: تاریخ مغول، و اوایل ایام تیموری، نشر نامک، تهران، ۱۳۷۶، ص ۵۶۱.

۲ - جوینی، علاء الدین ملک: همان، ص ۱ / سو ۱

۳ - سعدی، مصلح الدین: همان، ص ۶۶۰

۴ - همان، ص ۶۷۱

۵ - سعدی، مصلح الدین: همان، ص ۶۵۰

مستقیم وقایع دربار و سراسر امپراتوری مغولان، نه تنها اطلاعات ذی قیمتی در اختیار او نهاد بلکه در رشد شخصیت و تکوین جهان بینی او مؤثر افتاد و از او فردی معتبر ساخت و دستمایه ای در کف اونهاست تا در تدوین کتاب تاریخی پراجش از آن بهره برد. در همین ایام بود که به اشاره دوستان، مجموعه مشاهدات و مسموعات خود را در قید کتابت آورد^۱.

نگارش اثر تاریخی عطاملک جوینی با نام «تاریخ جهان گشای» در سه مجلد در حدود سال‌های (۶۵۰ تا ۶۵۸ هـ.ق) پایان یافت^۲. مجلد نخست کتاب در باره تاریخ امپراتوری مغول از نخستین اردوکنشی‌های چنگیزخان تا مرگ کیوک خان است. مجلد دوم تاریخ دولت خوارزمشاهیان و ایغوریان و اسماعیلیان و جانشینان چنگیز در ایران تا سال (۶۵۷ هـ.ق) را شامل می‌شود. مجلد سوم تاریخ لشکر کشی هولاکو خان است به ایران در سال‌های (۶۵۶ - ۶۵۴ هـ.ق). او وقایع را به انقراض اسماعیلیه خاتمه داده و از فتح بغداد که خود حضور داشته، گزارشی عرضه نکرده است درحالی که وی حدود بیست و هفت سال دیگر در قید حیات بوده است.

نثر کتاب تاریخی عطاملک از ویژگی‌های نثر سده هفتم خالی نیست. نثری فنی و پر تکلف و مصنوع. البته پر از لطایف و بدایع ادبی. لذا علاوه بر ارزش تاریخی محض، این کتاب از ارزش فوق العاده‌ی ادبی نیز برخوردار است. از دیگر مزایای کتاب عرضه اطلاعاتی است در خصوص روابط هیات حاکمه با مردم، پایگاه اجتماعی طبقات مختلف جامعه، مبارزات مردم برای رهایی از چنگال بیگانگان، شیوه نظام حکومت و دستگاه دولتی، مالیات‌های گوناگون و حتی مسائل فرهنگی جامعه نظیر حقوق زنان در قبیله‌های مختلف آنان، ازدواج و آیین‌های مربوطه. به گفته اشپولر، اطلاعات فرهنگی و اداری‌ای که او عرضه می‌کند مهم و قابل اعتمادند. اما این اعتماد در مورد نام اشخاص و اماکن مذکور در کتاب جوینی وجود ندارد^۳.

هر چند عطاملک از منظر یک کارگزار درباری و دیوانی به ثبت و ضبط حوادث پرداخته، اما در جای جای کتاب نشانه‌هایی از انتقاد به سیاست مالیاتی غیر منصفانه حاکمان مغول به چشم می‌خورد. با این حال نباید فراموش کرد که او از اشراف فتودال است و در خدمت قدرت. ملک

۱ - جوینی، علاء الدین ملک: همان، ص ۳، ۲، ۱.

۲ - همان، ص ۱/ک.

۳ - اشپولر، برتولد: تاریخ مغول در ایران، ترجمه محمود آفتاب، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ص ۶

الشمرای بهار علاوه بر پرداختن به اختصاصات صرفی، نحوی و جمله بندی تاریخ جهان گشا، عطا ملک را به دلیل ذکر مسائل فلسفی و اصول صحیح اجتماعی در علل حقیقی شکست خوارزمیان و انقراض مدنیت ایرانیان در برابر حمله تاتار و خودداری از تملق و مذاهنه، همطراز ابن خلدون دانسته است.^۱ عطا ملک رساله تسلیه الاخوان و ذیل کتاب تسلیه الاخوان را به فارسی در شرح مصائبی که بر اثر ستمای مجدملک یزدی برایش پیش آمد در سال (۶۸۰ هـ) نوشت و سیر حوادث را تا مرگ اباقا و جلوس احمد تکودار پی گرفت. در تاریخ و صاف خلاصه ای از آن آمده و دو بار از آن یاد شده.^۲

بر اساس آنچه بیان گردید، حضور این سلاله در تشکیلات اداری و دیوانی، همزمان با ابلفار مغول به سرزمین ایران، نه تنها از شدت تهاجمات این قوم بی تمکن کاست و آنان را به پذیرش فرهنگ قوم مغلوب وادار ساخت بلکه زمینه ی احیای تمدن ایرانی - اسلامی را فراهم گرداند. گروهی خاندان جوینی را شیعه دانسته اند. ابن میثم بحرانی نه تنها شرح نهج البلاغه خود را به عطا ملک اهدا نمود، بلکه شرح کبیر را با نام شرح متوسط و صغیر، به نام فرزندلان او، ابونصر محمد و مظفرالدین ابوالعباس، دوباره خلاصه کرد.^۳ علی بن عیسی اربلی، از شیعیان مشهور سده هفتم^۴ نیز از سال (۶۶۰ هـ) از اربل به بغداد آمده، به عنوان رئیس دیوان انشاء سال ها در خدمت خاندان جوینی بود.^۵ از این رو می توان ادعا کرد خاندان جوینی هم به دین و هم به میهن خود خدمت های شایان نمودند.

- ۱ - ملک الشعرا بهار، محمد تقی: سبک شناسی، انتشارات مجید، چاپ نهم، تهران، ۱۳۷۶، ۹۶۸/۳ -
برای مطالعه بیشتر در سبک تاریخ جهان گشا رک: همان ۱۳۷۶/۱۰۱۳/۳
- ۲ - جوینی: تسلیه الاخوان، تصحیح: عباس ماهیار، انتشارات آباد، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۱، ص ۹، ۵،
۴- جوینی: همان، ص عد، عه، مج/۱.
- ۳ - بحرانی، کمال الدین میثم بن علی بن میثم: شرح نهج البلاغه ابن میثم، ترجمه قربان علی محمدی
مقدم، بنیاد پژوهش های اسلامی، آستان قدس رضوی، چاپ اول، مشهد، ۱۳۷۵، ص ۲۵.
- ۴ - او را به دلیل نوشتن کتاب کشف الغمه فی معرفة الائمه، شیعه دانسته اند. رک: جعفریان، رسول: علی بن
عیسی اربلی و کشف الغمه برگی از تاریخ تشیع دوازده امامی، بنیاد پژوهش های اسلامی، آستان قدس
رضوی، مشهد، ۱۳۷۳.
- ۵ - الاربلی، بهاء الدین علی بن عیسی: التذکره الفخریه، تحقیق: نروی حمود القیسی - حاتم صالح الضامن،
بنداد، مطبعه المجمع العلمی العراق، ۱۴۰۴، ق - ۱۹۸۹، م. ص ۳۷.

کتابنامه

- ۱- الاربلی، بهاء الدین علی بن عیسی: *التذکره الفخریه*، تحقیق: نروی حمود القیسی - حاتم صالح الضامن، بغداد، مطبعة المجمع العلمی العراق، ۱۴۰۴، ق. - ۱۹۸۹ م.
- ۲- آتابک جوینی، منتجب الدین بدیع: *عتبه الکتابه*، تصحیح و اهتمام: محمد قزوینی و عباس اقبال، شرکت سهامی چاپ، بی جا، ۱۳۳۹
- ۳- ابن خلکان، ابی العباس شمس الدین احمد بن محمد بن ابی بکر: *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*، حقیقه: احسان عباس، منشورات الشریف الرضی، قم، الطبعة الثانیه، ۱۳۶۴ ه. ق.
- ۴- ابن العبری: *مختصر تاریخ الدول*، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۷.
- ۵- ابن الفوطی بغدادی، کمال الدین ابی الفضل عبدالرزاق: *حوادث الجامعه و التجارب النافعه*، المكتبه العربیه ببغداد، ۱۳۵۱، ق.
- ۶- اشپولر، بر تولد: *تاریخ مغول در ایران*، ترجمه: محمود آفتاب، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۸.
- ۷- اقبال آشتیانی، عباس: *تاریخ مغول و اوایل ایام تیموری*، نشر نامک، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- ۸- بحرانی، کمال الدین میثم بن علی بن میثم: *شرح نهج البلاغه ابن میثم*، ترجمه: قربان علی محمدی مقدم، بنیاد پژوهش های اسلامی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۵.
- ۹- جعفریان، رسول: *علی بن عیسی اربلی و کشف الغمه برگی از تاریخ تشیع دوازده امامی*، بنیاد پژوهش های اسلامی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۳.
- ۱۰- الجوینی، علاء الدین عطاملک بن بهاء الدین محمد بن محمد: *تاریخ جهان مشای*، به اهتمام محمد بن عبدالوهاب قزوینی، لیدن، ۱۳۳۹ ه. ق. - (۱۹۱۱ م).
- ۱۱- جوینی: *تسلیمه الاخوان*، تصحیح عباس ماهیار، انتشارات آباد، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۱.
- ۱۲- الخلیلی، جعفر: *موسوعه العتبات المقدسه*، قسم النجف، بیروت، انتشارات الاعلمی، ۱۴۰۷ ق. - ۱۹۸۷ م.
- ۱۳- خواند میر، *دستور الوزراء*، تصحیح: سعید نفیسی، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۱۷.

- ۱۴- خواند میر، *دستور الوزراء*، تصحیح: سعید نفیسی، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۱۷.
- ۱۵- رشیدالدین فضل الله *جامع التواریخ*، تصحیح: محمد روشن - مصطفی موسوی، نشر البرز، تهران، ۱۳۷۳.
- ۱۶- زرکلی، خیر الدین: *الاعلام*، قاهره، الطبعة الثانية، ۱۳۷۸ ه.ق.
- ۱۷- سعدی، مصلح الدین: *کلیات سعدی*، تصحیح: محمد علی فروغی، به اهتمام: بهاءالدین خرمشاهی، انتشارات ناهید، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۸- شبانکاره‌ای، محمد بن علی: *مجمع الاتساب*، تصحیح: میر هاشم محدث، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۳.
- ۱۹- عقیلی، سیف الدین حاجی بن نظام: *انار الوزراء*، تصحیح و تعلیق: میر جلال الدین حسینی ارموی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۷.
- ۲۰- قلقشندی، ابوالعباس احمد بن علی: *صبح الاعشى فی کتابة الانشاء*، قاهره، دار الکتب الخدیویه، ۱۳۴۰ ق.
- ۲۱- مدرس تبریزی، محمد علی: *ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه و اللقب*، کتاب فروشی خیام، ۱۳۶۹ ه.ش.
- ۲۲- بهار (ملک الشعرا)، محمد تقی: *سبک شناسی*، انتشارات مجید، چاپ نهم، تهران، ۱۳۷۶.
- ۲۳- مهربان، آقا سید عبدالله: *لؤلؤ صدف فی تاریخ النجف*، انتشارات مهربان، تهران، بی تا.
- ۲۴- منشی کرمانی، ناصرالدین: *نسائم الاسحار من لطائف الاخبار*، تصحیح: میر جلال الدین حسینی ارموی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، بی تا.
- ۲۵- نفیسی، سعید: *تاریخ نظم و نشر در ایران*، کتاب فروشی فروغی، تهران، ۱۳۴۴.
- ۲۶- وصاف الحضرة (فضل الله بن عبدالله شیرازی): *تاریخ وصاف به اهتمام محمد مهدی اصفهانی*، کتابخانه جعفری تبریز، از افست رشیدیه، ۱۳۳۸.